

پیش از این گفته شد که اسام زیدی یحیی حمیدالدین سلطان متوکل یمن در توطئه آل وزیر به قتل رسید و قدرت برای چند هفته به‌دست امام وزیری افتاد. لکن فرزند سلطان مقتول احمد بن یحیی که به شمال گریخته بود، صنعا را به سال ۱۹۴۸ میلادی محاصره کرد و قدرت را بازگرفت و مردم یمن با او به نام امام زیدی بیعت کردند. احمد بر خلاف پدر درهای یمن را به روی جهان گشود و روابط خود را با دیگر کشورها بویژه کشورهای بلوک شرق گسترش داد. اگرچه «ناصریسم» در کشورهای عربی که حکومت‌های سلطنتی داشتند از سوی دولت تبحیح می‌شد لکن احمد که تجربه تحرکات پان‌عربیست‌ها را در یمن دیده بود، به سمت مصر گرایش یافت و پیمان دفاع مشترکی با مصر و سوریه – که به «جمهوری متحد عربی» تبدیل شده بودند – امضا کرد تا نیروی سرکش ناصریست‌های یمن را به واسطه آن تحت کنترل درآورد.

لکن در سال ۱۹۵۵ سرهنگ احمد الثلاثیه که در عراق آموزش دیده بود، کاخ امام احمد را محاصره کرد و از سلطان خواست از قدرت کناره‌گیری کند. سلطان پذیرفت اما با این شرط که فرزندش محمد البدر به جای او قدرت را به دست بگیرد. الثلاثیه جانشینی بدر را نپذیرفت و برادر ناتنی سلطان، امیر سیفالاسلام عبدالله را که در زمان وزیر خارجه بود به‌عنوان جانشین معرفی کرد. در نتیجه محاصره اقامتگاه سلطان که مجموعه‌ای از خزانه، حرمسرا و زرادخانه‌ای از جنگ‌افزارهای مدرن بود ادامه یافت و عبدالله مشغول تشکیل دولت جدید شد. همزمان سلطان ۵۶۰ نفر از محاصره‌کنندگان خود را تلمیح کرد و تنها ۴۰ نفر باقی ماندند تا اینکه در روز ششم درگیری نهایی بین ۱۵۰ نیروی گارد سلطنتی و ۴۰ نفری که باقی مانده بودند رخ داد و الثلاثیه تسلیم شد. سیفالاسلام عبدالله و الثلاثیه محکوم به اعدام شدند و غائله ختم شد. پس از آن یمن به‌عنوان تنها پادشاهی مسلمان کمک‌های تسلیحاتی و مستشاران شوروی و چین را پذیرفت اما کمونیست‌های یمن را تحت فشار گذاشت. با این حال ولیعهد یمن، محمد البدر که جواز حزب کمونیستی او توسط دولت ملغی شده بود، تبلیغات گسترده‌ای انجام داد و خود را به‌عنوان فردی مترقی که با سیاست‌های حکومت‌های سلطنتی عرب مخالف بود معرفی کرد. او که در دوره‌ای به‌عنوان وزیر کشور و وزیر خارجه در یمن خدمت کرده بود همسان با دیگر رهبران جوان عرب در زمان خود از طرفداران ناصریسم محسوب می‌شد و نتوانسته بود همزمان رابطه قابل قبولی با بلوک شرق برقرار کند. ولیعهد همچنین در غیاب پدر که برای درمان به ایتالیا رفته بود، مصری‌ها را برای اصلاحات به یمن دعوت کرد اما با بازگشت امام احمد این روند متوقف شد و مستشاران مصری به قاهره بازگردانده شدند اما نافرمانی‌هایی که از مدت‌ها پیش آغاز شده بود ادامه یافت و ماه رمضان سال ۱۳۸۰ هجری قمری مطابق ۱۹۶۱ میلادی سوءقصدی به جان امام احمد صورت گرفت که او را زمینگیر کرد و همین امر باعث شد ظرف چند ماه محمد البدر عملاً بر تمام جوانب حکومت یمن مسلط شود و قدرت را با عنوان نخست‌وزیر و ولیعهد و همچنین وزیر دفاع در دست گیرد. لکن او که در دوره ولیعهدی خود چهارده متمایل به ناصر و سوسیالیسم نشان داده بود تغییر رویه داد تا اینکه در سیزدهم ربیع‌الثانی ۱۳۸۲ مصادف با دسامبر ۱۹۶۲ امام احمد بن یحیی حمیدالدین در خواب درگذشت و محمد البدر با عنوان المنصور به‌عنوان امام و سلطان یمن بر تخت نشست ولی در کمتر از یک هفته وقایعی رخ داد که به ۸ سال جنگ داخلی خونین انجامید.



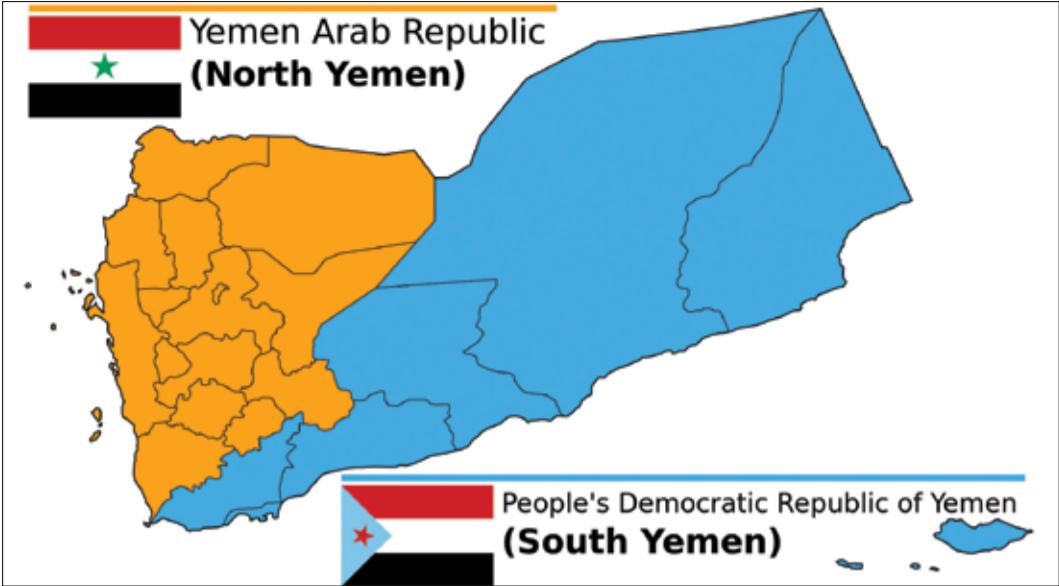
مروری بر گذشته و حال جنوبی‌ترین کشور شبه جزیره عرب – ۶

دوران چپ‌گرایی در یمن

- محمدصادق حاج‌صمدی

تقلیل سنت‌های قبیله‌ای یمنی‌ها با مدرنیزمی که در دهه ۶۰ میلادی تبلیغ می‌شد، روی کار آمدن دولت‌های نظامی در جای‌جای جهان بویژه جهان عرب، در کنار پدیده کمونیسم و تبلیغات ناصریست‌ها، یمن را ایستن حوادثی کرده بود که با مرگ احمد بن یحیی حمیدالدین ظاهر شدند. توطئه‌های متعددی نیز علیه متوکلیان وجود داشت که همگی پس از آن متبلور شدند. من‌جمله آنکه آل حشید به دلیل اعدام رئیس قبیله خود از متوکلیان خشمگین و مترصد فرصتی برای براندازی آنها بود و در کنار آنان نیز تعدادی از شاهزادگان متوکل به دنبال حذف محمد البدر و به دست گرفتن قدرت بودند. در نتیجه مرگ سلطان احمد فرصت مناسبی برای همه محسوب می‌شد تا منویات خود را در یمن به منصفه ظهور گذارند. یک هفته پس از درگذشت اسام احمد، عبدالواحد کاردار مصر در یمن به دلایل نامعلومی محمد البدر را از کودتای نظامی باخبر کرد و امام محمد نیز نیروهای نظامی را به حالت آمادایش درآورد. از سوی دیگر عبدالله السلال که توسط محمد البدر به فرماندهی گارد سلطنتی انتخاب شده بود اعلام کودتا کرده و خود را رئیس‌جمهوری عربی یمن نامید و بدین واسطه جنگ داخلی یمن شمالی آغاز شد. نیروهای نظامی تحت فرمان السلال ایستگاه مرکزی رادیو، مرکز مخابرات، زرادخانه مرکزی پایتخت و کاخ‌های سلطنتی را تصرف کردند و محمد البدر مجبور به فرار از پایتخت شد. ۲۸ سپتامبر رادیو اعلام کرد محمد البدر کشته شده و السلال سران قبایل را جمع کرد و جمهوری را اعلام کرد و دشمنان آن را دشمن خدا و ملت نامید.

نکته قابل ذکر در این باره این است که در این برهه زمانی تحت‌الحمایه‌های انگلیسی یمن تحت عنوان فدراسیون امارات متحده جنوب عملاً به کشوری جداگانه تبدیل شده بودند که از سال ۱۹۶۷



خود را از یمن خارج می‌کند به شرطی که نیروهای نظامی اردن و عربستان از مناطق مرزی یمن عقب بنشینند اما مستشاران مصری در یمن باقی بمانند. بالاخره ۱۹ دسامبر آمریکا سی‌وچهارمین کشوری بود که جمهوری یمن را به رسمیت شناخت و در فاصله چند روز سازمان ملل نیز جمهوری سلال را به رسمیت شناخت و سلال را تنها مرجع مشروع قدرت در یمن اعلام کرد و سلطنت‌طلبان را نادیده گرفت. با این حال شاه پهلوی در ایران، ترکیه و عمده کشورهای اروپای غربی به رسمیت شناختن جمهوری یمن را به آینده موکول کردند اما کشورهای بلوک شرق، کانادا، استرالیا، آلمان غربی، ایتوبی و برخی کشورهای عربی آن را به رسمیت شناختند. لکن انگلستان که پیروزی معنوی مصر در یمن را نهدیدی برای خود در فدراسیون عربی جنوب که تحت‌الحمایه‌های او محسوب می‌شدند و بویژه بندر عدن می‌دانست، همسو با عربستان سعودی از به رسمیت شناختن آن امتناع کرد. یک هفته پس از به رسمیت شناخته شدن جمهوری یمن شمالی توسط آمریکا، سلال در مانوری نظامی موشک‌هایی را به نمایش گذاشت و عنوان کرد این موشک‌ها توانایی تخریب کاخ‌های آل‌سعود را خواهند داشت. چند روز بعد و در اوایل ژانویه، مصر نیز اطراف نجران در مرز یمن را بمباران کرد. پس از آن آمریکا مجددا مانوری هوایی در عربستان برگزار کرد و تجهیزات ماهواره‌ای و ادوات جنگی برای نجران در خاک عربستان فرستاد و «رلف بانج» دیپلمات آمریکایی را که در سال ۱۹۵۰ جایزه صلح نوبل را دریافت کرده بود به یمن فرستاد. ناصر به فرستاده آمریکا اطمینان داد در صورتی که عربستان از حمایت از سلطنت‌طلب‌های متوکلی دست بکشد، نیروهای خود را از یمن خارج می‌کند. در حالی که هر یک از فیصل و ناصر قطع حمایت‌های خود از ۲ طرف را منوط به عقب‌نشینی دیگری می‌کردند، سازمان ملل پیشنهاد ارسال نیروهای حافظ صلح در مرز یمن و عربستان را داد که طی آن نیروی نظامی بی‌طرف از مرز مشترک محافظت کند تا مانع ارسال کمک توسط عربستان به سلطنت‌طلبان و همچنین حمله جمهوری خواهان به مرزهای عربستان شود. در این شرایط، فرستاده سازمان ملل به منطقه «کارل ون هورن» سعودی که با «عبدالحکیم عامر» ژنرال مصری در قاهره ملاقات کرده بود، گزارش داد مصر علاقه‌ای به خروج نیروهایش از یمن ندارد. عمر سقاقلق معاون وزیر خارجه عربستان نیز به او گفته بود عربستان هیچ فشار و پیشنهادی را از سوی مصر برای خارج کردن نیروهای امنیتی خود نمی‌پذرد و عبدالناصر خطرناک‌تر از آن است که عربستان بتواند آن را نادیده بگیرد. همچنین پس از خروج نیروهای مصر آموزش‌دیده‌های قاهره در یمن باقی خواهند ماند و این امتیازی برای مصر محسوب می‌شود که توازن قوا را در منطقه به خطر می‌اندازد. در حالی که هزینه جنگ برای مصر معادل یک میلیون دلار در روز بود و قاهره بیش از ۵ هزار نفر تلفات داده بود اما هیچ‌ک از قدرت‌های خارجی (عربستان و مصر) مایل به ترک مخاصمه نبودند. سازمان ملل ون هورن را به صنعا فرستاد تا ماموریتی ۳ بخشی را دنبال کند. ماموریت او در صنعا ایجاد نواز غیرنظامی در مرز عربستان، قطع کمک‌های سعودی به البدر و نظارت بر خروج مرحله‌ای نیروهای مصری بود. لکن این ماموریت به شکست انجامید و نیروی نظامی مصر در یمن افزایش یافت و عربستان نیز همچنان به حمایت‌های خود از البدر ادامه می‌داد. در این شرایط بالاخره چهارم سپتامبر ۱۹۶۴ سازمان ملل طرح خود را شکست‌خورده اعلام کرد و از آن دست کشید.



۴- ایجاد زمینه‌های مناسب برای تعامل و گفت‌وگوهای پژوهشگرانه صمیمانه و بی‌تکلیف میان عالمان.
۵- تمهید زمینه‌های لازم برای ایجاد تعامل میان عالمان و دانشجویان.
۶- تمهید و ترغیب دانشجویان برای تعامل و گفت‌وگو
۷- تنظیم تعداد دانشجویان ارشد و دکترا و توزیع ارزایی مقالات دانشجویان را داشته باشند و دانشجو را از این باز‌خورد بهره‌مند کنند.
۸- اصلاح تمام رویه‌های معمول درباره رساله‌های ارشد و بویژه دکترا با توجه به تمام نقدهای مطرح شده درباره وضعیت رساله‌ها.
۹- ایجاد تحولی بنیانی در تمام سازوکارهای فعلی مجلات برای خارج کردن آنها از وضعیت محفلی و محضرفعلی.

به‌عنوان جمهوری سوسیالیستی یمن درآمدند و پس از آن نیز در سال ۱۹۹۰ با یمن شمالی یکی شده و یمن امروزی را تشکیل دادند. آنچه از آن تحت عنوان جنگ داخلی یمن یاد می‌شود مربوط به یمن شمالی است. پس از کودتا، البدر به شمال می‌گریزد و از طریق عربستان سعودی زنده بودن خود را اعلام می‌کند و با حمایت قبایل شمالی به جنگ با عبدالله سلال رو می‌آورد. در بین کشورهای منطقه نیز عربستان سعودی از البدر و مصر از السلال پشتیبانی می‌کنند. عبدالله السلال که فرزند یک قصاب بود در ساختار اجتماعی یمن جایگاه مهمی نداشت اما به‌عنوان یک افسر عالی ارتش و یک ناصریست و سوسیالیست، از فرمانبرداری بخش اعظمی از نیروهای نظامی یمن و قشر نوظهور سوسیالیست‌ها برخوردار بود. به‌علاوه ناصریست‌های یمن و همچنین بازوی تبلیغاتی مصر از او حمایت می‌کردند. در نتیجه نزاع‌مابین سلطنت‌طلب‌ها و جمهوری خواهان طرفدار سلال آغاز شد. اگرچه ماهیت جمهوری به استناد تاریخ در میان کشورهای عربی باقیمانده از امپراتوری عثمانی عمدتاً جمهوری‌های کودتایی بدون انتخابات بوده است و تنها عنوان حاکم آن تغییر می‌کند فلذا نمی‌توان عبدالله سلال را به معنای امروزی رئیس‌جمهور نامید.

با این حال دولت‌های انگلستان، آمریکا و آلمان غربی که طی جنگ سرد میان غرب و شرق، منافع خود را از روی کار آمدن دولت متمایل به شوروی در خطر می‌دیدند به حمایت از محمد البدر روی آوردند و عربستان و اردن نیز مایحتاج جنگی سلطنت‌طلبان را فراهم کردند. از آن سو نیز مصر، ایتالیا و شوروی به طرفداری از السلال نیروی نظامی و ادوات جنگی به یمن فرستادند. جمال عبدالناصر که از سال ۱۹۵۷ به دنبال تغییر رژیم در یمن بود نیز ۷۰ هزار نیروی نظامی مصری را به یمن فرستاد

-

چالش‌های اقتصاد دانش بنیان در ایران – ۱۰

- محمدرضاحیاتی

و فراخوان و حکم حکومتی،وزارتی و امثال آن برای تولید نظریه، پژوهش و چگونگی انجام پژوهش اجتناب کنیم.

۷- باید از انحراف عالمان جدی محقق، نه مدرس انگیزه و توانمندی لازم برای اندیشیدن و نظریه‌پردازی دارند با مشاغل و پست‌های خوش نام و آوازه جدا اجتناب کنیم.

۸- باید از تخصیص هرگونه امتیازات و امکانات مالی و مقامی و ارتقایی به سمت‌های اجرایی و مدیریتی، در هر سطحی بشدت جلوگیری کنیم.

۹- دانشجویان و طلاب انگیزه‌مند و فکور را با جریان انبوه‌سازی تحصیلات دانشگاهی و حوزوی،همسان و یکپارچه نکنیم.

۱۰- از مشارکت رجال سیاسی حکومتی در همایش‌های جدی و پژوهشی جهت ایراد سخنرانی‌های افتتاحیه و اختتامیه تشریفاتی جدا خودداری شود. روشن است وقتی گزارش آن همایش در رسانه ملی را در مطبوعات تقریباً بلااستثنا منحصر به ذکر سخنرانان صاحب منصب می‌شود به طور بی‌سروصدا توهین و تحقیر مسلمی را به عموم پژوهشگرانی که زحمت چندین ماهه یا چندین ساله‌شان را در آن همایش ارائه کرده‌اند، روا می‌کنیم.

۱۱- از به‌کارگیری صاحبان مدرک دکترای تخصصی، مگر در مواقع استثنایی در مشاغل سیاسی و اجرایی و مدیریتی، جدا خودداری کنیم، این بدین منظور است که دکترای تخصصی عمدتاً و اساساً ذروه‌ای است برای ورود به حوزه پژوهشی.

گزارش

البته در این میان اقدامات عملی «سلسلی و ایجابی» برای تحول نظام آموزشی کشور از جمله ابلاغ سیاست‌های کلی «علم و فناوری» در شهریور ۹۳ توسط رهبری انقلاب انجام شده است، اما به نظر می‌رسد برای تحقق آنها قدم‌های زیادی فاصله داشته باشیم.

سعید زیباکلام در آسیب‌شناسی این موضوع

با برشمردن اصلاح قواعد جنبش نرم‌افزاری، راهکارهایی را برای خروج از زمختی و کم تحرکی و سوق به تحرک زیاد مراکز دانشگاهی ارائه داده است

که در محور اول به راهکارهای سلسلی و در محور دوم به راهکارهای ایجابی می‌پردازیم:

راهکارهای سلسلی

۱- باید از روند تولید انبوه استادان جزوه‌پرورده و جزوه پرور جدا پرهیز شود.

۲- باید از تکثیر و تولید بی‌رویه و فله‌ای دانشجویان در هر سه مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا جهت ارائه آثار نمایشی به خود و فرهنگیان جدا اجتناب کنیم.

۳- باید از تکثیر بی‌رویه فصلنامه‌های دانشگاهی و حوزوی بی‌مایه و بی‌محتوا پرهیز شود.

۴- باید از برگزاری جشن و جشنواره و همایش‌های نمایشی و تشریفاتی پرهیزبینه و بی‌ثمر ملی و

بین‌المللی پرهیز کنیم.

۵- باید از تکثیر بی‌رویه، بی‌حاصل و حیف و میل کننده پژوهشکده، پژوهشگاه و دانشگاه جدا خودداری کنیم.

۶- باید از صدور دستور و دستورالعمل و بخشنامه

تقریب تاریخ

ولادت حضرت ابوالفضل العباس (ع)

(۲۶ ق)



حضرت ابوالفضل العباس(ع) فرزند برومند امام علی(ع) از مادری مشهور به‌ام‌البنین متولد شد. حضرت ابوالفضل(ع) از محضر پدری چون امیرالمؤمنین و برادرانی همچون امام‌حسن(ع) و امام حسین(ع)، فیوضات علمی، معنوی و اخلاقی برگرفت و در کمالات گوناگون به جایگاه رفیعی دست یافت. حضرتش پس از شهادت پدر از همراهی و یاری برادرانش فروگذار نکرد و سرانجام به همراه امام و پیشوای خود، حضرت امام حسین(ع) در صحرای کربلا به شهادت رسید. سالروز ولادت با سعادت حضرت ابوالفضل(ع) در جمهوری اسلامی ایران روز جانناز نامیده شده است.

-

اعتراض به هتک حرمت رژیم صدام به عتبات عالیات (۱۳۷۰ ش)

پس از آنکه مردم مسلمان عراق از جنایات بی‌اندازه رژیم حاکم بر عراق به ستوه آمده و دست به قیام فراگیر زدند، به دستور صدام حسین، دیکتاتور وقت عراق، علاوه بر کشتار وسیع و بی‌رحمانه مردم، اماکن مقدسه و عتبات عالیات در این کشور مورد هتک حرمت قرار گرفت. این عمل رژیم بعث، احساسات مسلمانان و بویژه شیعیان جهان را برانگیخت و طی راهپیمایی‌های متعدد اعتراض‌آمیز، آن را بشدت محکوم کردند. ایسن بی‌حرمتی در حالی صورت گرفت که مردم عراق تا پیروزی فاصله چندانی نداشتند. در این زمان، آمریکا و متحدانش به کمک صدام شتافته و برای کشتار و سرکوب مردم، انواع کمک‌ها را در اختیار رژیم بعث قرار دادند. با پناه گرفتن مردم در حرم امه معصومین، این اماکن شریف توسط ارتش بعث مورد هجوم قرار گرفت و دشمن با احساس غرور دروغین، ژست پیروزی گرفت. در ایران به این مناسبت، از طرف رهبر معظم انقلاب اسلامی، دوم خرداد ۱۳۷۰، عزای عمومی اعلام شد. بعد از سرنگونی رژیم بعث در فروردین ۱۳۸۲، گورهای جمعی فرالوای از مردم عراق که به دست صدامیان به شهادت رسیده بودند، کشف و ابعاد جنایات صدام در این واقعه بیش از پیش آشکار شد.

-

درگذشت «ابوسعید ابوالخیر»

عارف و شاعر معروف(۴۴۰ ق)

ابوسعید فضل بن ابو الخیر، از اکابر و مشایخ عرفا و صوفی نامی قرن پنجم هجری در اواسط قرن چهارم هجری به دنیا آمد. وی از کودکی ریاضات سخت کشید. ابوسعید ابوالخیر پس از تحمل رنج فراوان در این راه، از دست بعضی از بزرگان، خرقه خلافت گرفت و در خاتلقه خود در میهنه و نیشابور به ارشاد سالکان و وعظ و هدایت مردم پرداخت. ابوسعید در ۸۳ سالگی در میهنه اوسعید، شرح مفصلی از احوال او است که توسط محمدبن منور یکی از نوادگان ابوسعید تالیف شده است.

-

آغاز جنگ‌های ۳۰ ساله مذهبی در اروپا (۱۶۱۸ م)

ظهور مذهب پروتستان در اوایل قرن شانزدهم میلادی، شکاف عمیقی بین بیروان مسیحیت به وجود آورد و کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها در طول سده‌های پس از آن، بارها با هم به نزاع و نبرد پرداختند. یکی از جنگ‌های معروف طرفداران پروتستان با کاتولیک‌مذهبان، در دهه دوم قرن هفدهم میلادی به وقوع پیوست و در حدود ۳۰ سال به طول انجامید. در روز ۲۳ مه ۱۶۱۸، پروتستان‌های چک که از محدود شدن آزادی‌هایشان توسط فردیناند دوم، امپراتوری مقدس روم نگران بودند، ۲ فرستاده وی را به قتل رساندند و به این ترتیب جنگ‌های ۳۰ ساله مذهبی در اروپا آغاز شد. در طول جنگ، کشورهای فرانسه، سوئد و دانمارک در حمایت از پروتستان‌ها و دولت اسپانیا و امپراتوری روم به طرفداری از کاتولیک‌ها وارد جنگ شدند. جنگ‌های ۳۰ ساله مذهبی اروپا در نهایت، با انعقاد پیمان وستفالی در سال ۱۶۴۸م خاتمه یافت. در این جنگ‌ها اگر چه نزاع دیرینه ۲ مذهب کاتولیک و پروتستان نقش مهمی داشت‌اما عواملی چون اختلاف‌های ارضی و سیاسی دولت‌های این قاره نیز در شروع و ادامه جنگ، بسیار مؤثر بود. از نتایج مهم این جنگ‌ها، پایان نسبی درگیری‌های مذهبی پروتستان‌ها با کاتولیک‌ها و آغاز رشد جریان‌های ناسیونالیستی و ملی‌گرایی و نژادپرستی در اروپا بود. در کنار این تاثیرات، تفکر جدایی دین از سیاست نیز سر برآورد.